

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## قانون يار آيين دادرسي مدني



مؤلف:

صابر خليل نژاد كياسري

انتشارات چتر دانش

۱۳۹۶

سرشناسه	: خلیل نژاد کیاسری، صابر، ۱۳۶۸ -
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور	: قانون یار آیین دادرسی مدنی / مولف صابر خلیل نژاد کیاسری؛ به سفارش موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۶۴۹ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۶-۴۸-۱
یادداشت	: چاپ دوازدهم.
یادداشت	: چاپ قبلی: چتر دانش، ۱۳۹۳ (۵۹۶ ص.).
یادداشت	: عنوان روی جلد : قانون یار آیین دادرسی مدنی : ارائه مواد قانونی و نکات مهم مربوطه ، تست‌های برگزیده از آزمون‌های حقوقی تا سال ۹۲ ، ...
عنوان روی جلد	: قانون یار آیین دادرسی مدنی : ارائه مواد قانونی و نکات مهم مربوطه ، تست‌های برگزیده از آزمون‌های حقوقی تا سال ۹۲ ، ...
موضوع	: آیین دادرسی مدنی -- ایران -- راهنمای آموزشی (عالی)
موضوع	: آیین دادرسی مدنی -- ایران -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)
موضوع	: دانشگاه‌ها و مدارس عالی -- ایران -- آزمون‌ها
شناسه افزوده	: موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴ ق۲ / خ۸ / KMH۱۷۱۰
رده بندی دیویی	: ۳۴۷/۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۶۴۰۸۷

نام کتاب	: قانون یار آیین دادرسی مدنی - به سفارش موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
ناشر	: چتر دانش
مؤلف	: صابر خلیل نژاد کیاسری
نوبت و سال چاپ	: بیست و دوم - ۱۳۹۶
شمارگان	: ۲۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۶-۴۸-۱
قیمت	: ۳۵۰۰۰ تومان

خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، خ فخررازی، نبش کوچه انوری، پ ۲۷  
تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۸۹۰۵۹  
پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com  
کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

## سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرترف‌دارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتر دانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

**فرزاد دانشور**

**مدیر مسئول انتشارات چتر دانش**

## فهرست

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹.....	۸
کلیات.....	۸
باب اول: در صلاحیت دادگاه‌ها.....	۲۰
فصل اول: در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاه‌ها.....	۲۰
فصل دوم: اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن.....	۴۸
باب دوم: وکالت در دعاوی.....	۵۹
باب سوم: دادرسی نخستین.....	۷۹
فصل اول: دادخواست.....	۷۹
مبحث اول: تقدیم دادخواست.....	۷۹
مبحث دوم: شرایط دادخواست.....	۸۱
مبحث سوم: موارد توقیف دادخواست.....	۸۴
مبحث چهارم: پیوست‌های دادخواست.....	۹۴
فصل دوم: بهای خواسته.....	۹۶
فصل سوم: جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی.....	۱۰۶
مبحث اول: جریان دادخواست.....	۱۰۶
مبحث دوم: ابلاغ.....	۱۱۰
مبحث سوم: ایرادات و موانع رسیدگی.....	۱۳۰
فصل چهارم: جلسه دادرسی.....	۱۵۶
فصل پنجم: توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست.....	۱۷۵
فصل ششم: امور اتفاقی.....	۱۸۹
مبحث اول: تأمین خواسته.....	۱۸۹
۱- درخواست تأمین.....	۱۸۹
۲- اقسام تأمین.....	۲۱۱
مبحث دوم: ورود شخص ثالث.....	۲۲۰
مبحث سوم: جلب شخص ثالث.....	۲۲۷
مبحث چهارم: دعوی متقابل.....	۲۳۳
مبحث پنجم: اخذ تأمین از اتباع دولت‌های خارجی.....	۲۴۱
فصل هفتم: تأمین دلیل و اظهارنامه.....	۲۴۶
مبحث اول: تأمین دلیل.....	۲۴۶

۲۴۹	مبحث دوم: اظهارنامه.....
۲۵۱	فصل هشتم: دعاوی تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت.....
۲۷۲	فصل نهم: سازش و درخواست آن.....
۲۷۲	مبحث اول: سازش.....
۲۷۹	مبحث دوم: درخواست سازش.....
۲۸۲	فصل دهم: رسیدگی به دلایل.....
۲۸۲	مبحث اول: کلیات.....
۲۸۷	مبحث دوم: اقرار.....
۲۹۳	مبحث سوم: اسناد.....
۲۹۳	الف- مواد عمومی.....
۳۰۱	ب- انکار و تردید.....
۳۰۵	ج- ادعای جعلیت.....
۳۱۱	د- رسیدگی به صحت و اصالت سند.....
۳۲۰	مبحث چهارم: گواهی.....
۳۳۱	مبحث پنجم: معاینه محل و تحقیق محلی.....
۳۳۷	مبحث ششم: رجوع به کارشناس.....
۳۵۰	مبحث هفتم: سوگند.....
۳۶۲	مبحث هشتم: نیابت قضایی.....
۳۶۵	فصل یازدهم: رأی.....
۳۶۵	مبحث اول: صدور و انشای رأی.....
۳۷۲	مبحث دوم: ابلاغ رأی.....
۳۷۴	مبحث سوم: حکم حضوری و غیابی.....
۳۷۷	مبحث چهارم: واخواهی.....
۳۸۷	مبحث پنجم: تصحیح رأی.....
۳۸۹	مبحث ششم: دادرسی فوری.....
۴۱۱	<b>باب چهارم: تجدیدنظر.....</b>
۴۱۱	فصل اول: احکام و قرارهای قابل نقض و تجدیدنظر.....
۴۱۱	فصل دوم: آرای قابل تجدیدنظر.....
۴۲۱	فصل سوم: مهلت تجدیدنظر.....
۴۲۴	فصل چهارم: دادخواست و مقدمات رسیدگی.....

۴۳۳	فصل پنجم: جهات تجدیدنظر
۴۵۱	<b>باب پنجم: فرجام خواهی</b>
۴۵۱	فصل اول: فرجام خواهی در امور مدنی
۴۵۱	مبحث اول: فرجام خواهی و آرای قابل فرجام
۴۵۷	مبحث دوم: موارد نقض
۴۶۲	مبحث سوم: ترتیب فرجام خواهی
۴۶۹	مبحث چهارم: ترتیب رسیدگی
۴۷۲	مبحث پنجم: مهلت فرجام خواهی
۴۷۴	مبحث ششم: اقدامات پس از نقض
۴۸۴	مبحث هفتم: فرجام تبعی
۴۸۵	فصل دوم: اعتراض شخص ثالث
۵۰۲	فصل سوم: اعاده دادرسی
۵۰۲	مبحث اول: جهات اعاده دادرسی
۵۰۸	مبحث دوم: مهلت درخواست اعاده دادرسی
۵۱۲	مبحث سوم: ترتیب درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی
۵۲۳	<b>باب ششم: مواعد</b>
۵۲۳	فصل اول: تعیین و حساب مواعد
۵۲۶	فصل دوم: دادن مهلت و تجدید موعد
۵۲۸	<b>باب هفتم: داوری</b>
۵۶۲	<b>باب هشتم: هزینه دادرسی و اعسار</b>
۵۶۲	فصل اول: هزینه دادرسی
۵۶۵	فصل دوم: اعسار از هزینه دادرسی
۵۷۱	<b>باب نهم: مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد</b>
۵۷۱	فصل اول: کلیات
۵۷۳	فصل دوم: خسارات
۵۷۴	فصل سوم: مستثنیات دین
۵۷۶	سایر مقررات
۵۷۸	فصل اول: قواعد عمومی
۵۷۸	مبحث اول: مقدمات اجرا
۵۷۸	قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶

.....	مبحث دوم: دادورزها (مأمورین اجرا)	.....	۵۸۲
.....	مبحث سوم: ترتیب اجرا	.....	۵۸۳
.....	فصل دوم: توقیف اموال	.....	۵۸۹
.....	مبحث اول: مقررات عمومی	.....	۵۸۹
.....	مبحث دوم: در توقیف اموال منقول	.....	۵۹۲
.....	مبحث سوم: صورت‌برداری از اموال منقول	.....	۵۹۶
.....	مبحث چهارم: ارزیابی اموال منقول	.....	۵۹۷
.....	مبحث پنجم: حفظ اموال منقول توقیف شده	.....	۵۹۸
.....	مبحث ششم: توقیف اموال منقول محکوم‌علیه که نزد شخص ثالث است	.....	۵۹۹
.....	مبحث هفتم: توقیف حقوق مستخدمین	.....	۶۰۱
.....	مبحث هشتم: توقیف اموال غیرمنقول	.....	۶۰۱
.....	مبحث نهم: صورت‌برداری اموال غیرمنقول	.....	۶۰۳
.....	مبحث دهم: ارزیابی و حفظ اموال غیرمنقول	.....	۶۰۴
.....	فصل سوم: فروش اموال توقیف شده	.....	۶۰۴
.....	مبحث اول: فروش اموال منقول	.....	۶۰۴
.....	مبحث دوم: فروش اموال غیرمنقول	.....	۶۰۷
.....	فصل پنجم: اعتراض شخص ثالث	.....	۶۰۸
.....	فصل ششم: حق تقدم	.....	۶۱۰
.....	فصل هفتم: تأدیه طلب	.....	۶۱۱
.....	فصل هشتم: هزینه‌های اجرایی	.....	۶۱۱
.....	فصل نهم: احکام و اسناد لازم‌الاجرای کشورهای خارجی	.....	۶۱۳
.....	قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴	.....	۶۱۵
.....	آیین نامه اجرایی قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۵	.....	۶۲۷
.....	بخشنامه یکنواخت‌سازی اخذ هزینه دادرسی مصوب ۱۳۹۵	.....	۶۳۴
.....	سؤالات آزمون وکالت ۹۵	.....	۶۳۶
.....	پاسخنامه سؤالات آزمون وکالت ۹۵	.....	۶۴۰
.....	سؤالات آزمون قضاوت ۹۵	.....	۶۴۳
.....	پاسخنامه سؤالات آزمون قضاوت ۹۵	.....	۶۴۷

## قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱

### کلیات

#### تعریف آیین دادرسی مدنی

ماده ۱- آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاه‌های عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند به کار می‌رود.

**نکته ۱-** قواعد آیین دادرسی مدنی کلیت دارد و هر جا (مانند دادرسی اداری و امور حسبی) قواعد خاص نباشد، از آن استفاده می‌شود.

**نکته ۲-** آیین دادرسی مدنی نه تنها در دعاوی حقوقی، بلکه در طرح، دفاع و رسیدگی به جنبه حقوقی امور کیفری نیز علی‌الاصول، باید رعایت شود. در این رابطه استثنائاتی نیز وجود دارد مانند: محکومیت به پرداخت دیه در حق ولی دم، که به هرحال جنبه مدنی ندارد و در جرایمی مانند سرقت (ماده ۶۶۷ ق.م.ا.مصوب ۱۳۷۵) تصرف عدوانی (۶۹۰ ق.م.ا.مصوب ۱۳۷۵) ... دادگاه ضمن صدور حکم باید در هرحال نسبت به استرداد اموال ناشی از جرم نیز رسیدگی و حکم صادر کند. متضرر از جرم نیازی به تقدیم دادخواست در پرونده کیفری ندارد.

**نکته ۳-** مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم، جز در موارد مذکور در فوق، با رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی می‌باشد.

**نکته ۴-** رسیدگی به دعاوی بازرگانی نیز در صلاحیت دادگاه‌های عمومی و در شمول قانون آیین دادرسی مدنی قرار دارد.

**نکته ۵-** رسیدگی به امور حسبی باتوجه به مقررات خاص خود می‌باشد (قانون امور حسبی) مگر در موارد سکوت که به قانون آیین دادرسی مدنی به‌عنوان قانون عام رجوع می‌شود و همچنین در صورتی که بین قانون آیین دادرسی مدنی با قانون امور حسبی تعارض وجود داشته باشد، قانون آیین دادرسی در آن موضوع به‌عنوان آخرین اراده قانونگذار محل اجرا خواهد بود.

**۱- رسیدگی به دعاوی بازرگانی، در حال حاضر، در دادگاه‌های ..... برابر ..... به عمل می‌آید. جز در مواردی که ترتیب خاصی تعیین شده باشد. (ارشد سراسری - ۱۳۸۴)**

- (الف) تجاری - قانون تجارت. (ب) عمومی - قانون تجارت.  
(ج) تجاری - قانون آیین دادرسی مدنی. (د) عمومی - قانون آیین دادرسی مدنی.



۲- مطابق قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، «آیین دادرسی مدنی مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به ..... توسط مراجع قضایی به کار گرفته می‌شود.» (مشاوران حقوقی - ۱۳۸۵)

الف) امور حسبی (ب) دعاوی مدنی (ج) دعاوی بازرگانی (د) همه موارد فوق  
 ۳- در مقررات فعلی ایران، ایراد مرور زمان به استناد قانون آیین دادرسی مدنی شنیده .....  
 و به استناد قانون تجارت شنیده ..... (ارشد سراسری - ۱۳۸۹)

الف) نمی‌شود- نمی‌شود. (ب) می‌شود- نمی‌شود.  
 ج) نمی‌شود- می‌شود. (د) می‌شود- می‌شود.  
 ۴- مرجع رسیدگی به دعاوی تجاری، دادگاه‌های ..... است و آیین رسیدگی به آن‌ها، علی‌القاعده، برابر قانون ..... انجام می‌شود. (ارشد سراسری - ۱۳۹۳)

الف) تجاری- آیین دادرسی تجاری (ب) عمومی- آیین دادرسی تجاری  
 ج) تجاری- آیین دادرسی مدنی (د) عمومی- آیین دادرسی مدنی

پاسخنامه سؤال ۱: د سؤال ۲: د سؤال ۳: ج سؤال ۴: د

### شرط رسیدگی به دعوا

ماده ۲- هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی آنان، رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.

نکته ۱- رسیدگی در دادگاه‌ها منوط به درخواست ذی‌نفع یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی یا وکیل است و رسیدگی برابر قانون خواهد بود.

نکته ۲- ذی‌نفع بودن مدعی بدین معنا است، که در صورت حاکم شدن در دعوا برای او سودی اعم از مادی یا معنوی وجود داشته باشد.

نکته ۳- وجود نفع برای دیگران، توجیه‌کننده اقامه دعواست.

نکته ۴- در صورتی که خواهان در دعوای مطروحه ذی‌نفع نباشد، دادگاه قرار رد دعوا را صادر می‌کند.

نکته ۵- ذی‌نفع بودن با ذی‌حق بودن تفاوت دارد. شخص ذی‌حق، ذی‌نفع شمرده می‌شود اما هر ذی‌نفعی، ذی‌حق شمرده نمی‌شود ← در صورت ذی‌حق نبودن خواهان، معمولاً حکم به بی‌حقی صادر می‌شود.

نکته ۶- نفع دارای ویژگی‌هایی است که در صورت احراز آن دادگاه می‌تواند، با وجود سایر شرایط، وارد ماهیت دعوا شود: نفع ۱- باید حقوقی و مشروع باشد (مورد حمایت قانونگذار باشد)

۲- نفع باید به وجود آمده و باقی باشد (بنابراین نفعی که برای خواهان منوط به وجود شرط یا معلق

به وقوع امری باشد، خواهان را ذی نفع نمی کند.)

← در این مورد یک استثنا وجود دارد ← این استثنا ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی مدنی می باشد که صدور قرار تأمین خواسته نسبت به طلب یا مال معینی که هنوز موعد تسلیم آن نرسیده، تحت شرایطی پذیرفته می شود.

۳- نفع باید شخصی و مستقیم باشد (که در صورت احراز، حق اصلی مورد ادعا نصیب او شود)

**نکته ۷-** هرگاه شخصی به عنوان نماینده در دادگاه اقدام می نماید از یک سو دادگاه باید به دلیل نمایندگی وی توجه کند و از سوی دیگر نمایندگی را اگر محرز تشخیص داد، از انواعی باشد که قانون برای اقامه دعوا تجویز نموده است.

**نکته ۸-** کسی که به عنوان نماینده اقدام می کند، (از قبیل وکالت، ولایت یا قیمومت) در صورتی که سمت وی محرز نباشد ← دادگاه قرار رد دعوی را صادر می کند.

**نکته ۹-** هرگاه شخص حقیقی به نمایندگی از جانب شخص حقوقی طرح دعوی نماید و سمت او محرز نباشد و دفتر بدون توجه به نقص دادخواست، وقت دادرسی تعیین نماید و دادگاه در جلسه دادرسی با این ایراد روبه رو شود ← دادگاه قرار رد دعوا را به علت عدم احراز سمت صادر خواهد کرد.

**نکته ۱۰-** برای اقامه دعوا ۳ شرط لازم است ۱- ذی نفع بودن مدعی ۲- محرز بودن سمت از حیث اصالت یا نمایندگی ۳- داشتن اهلیت (البته شرایط دیگر مانند اقامه دعوا در موعد قانونی و عدم اعتبار امر قضاوت شده در آن دعوا نیز وجود دارند).

**نکته ۱۱-** منجز بودن حق از شرایط اقامه دعوا نیست بلکه، از شرایط پیروزی در دعوا می باشد (البته برخی این شرط را از شرایط اقامه دعوا می دانند)

**نکته ۱۲-** برخی معتقدند که تقدیم دادخواست از جمله شرایط اقامه دعواست (دکتر سید جلال الدین مدنی) اما دکتر شمس معتقد است. تقدیم دادخواست از شرایط اقامه دعوا نیست بلکه از شرایط لازم برای شروع رسیدگی دادگاه و بررسی وجود یا عدم وجود شرایط اقامه دعوا است.

**نکته ۱۳-** در مواردی که رسیدگی به ادعا را خود خواهان، درخواست نموده باشد و شخص حقیقی باشد (شخص حقیقی اصیل) مفهوم سمت در ذی نفع بودن مستغرق می باشد به نحوی که با احراز ذی نفعی نیازی به احراز سمت نیست.

**نکته ۱۴-** تکلیف دادگاه در رسیدگی به وجود یا عدم وجود سمت، زمانی به وجود می آید که درخواست را شخص حقیقی اصیل مطرح نکرده باشد.

**۱- دادگاه در صورتی به دعوای حقوقی رسیدگی می نماید که:** (ارشد آزاد- ۱۳۷۵)

الف) ذی حق دادخواست تنظیم نموده باشد. ب) به وجود حق علم داشته باشد.

ج) حق مستند به سند رسمی باشد. د) حق مستند به دلایل مصرح در قانون باشد.

۲- هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند:

(قضاوت- ۱۳۷۹ و ۱۳۷۸، مشاوران حقوقی- ۱۳۸۰)

الف) مگر اینکه خواهان یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی وی رسیدگی به دعوا را با رعایت قانون خواسته باشد.

ب) مگر اینکه، خواهان یا فردی ذی‌سمت از سوی او با رعایت موازین مقررات جاری اقامه دعوا نموده باشد.

ج) مگر اینکه، شخص یا اشخاصی ذی‌نفع یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست کرده باشند.

د) مگر اینکه، شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی یا ذی‌سمت قانونی، از سوی آنان با رعایت کلیه موازین و مقررات جاری دادخواست کامل داده باشند.

۳- نمایندگی پدر از فرزند صغیر، نمایندگی ..... و نمایندگی امین عاجز از او، نمایندگی

(ارشد سراسری- ۱۳۸۳)

..... است.

الف) قضایی- قانونی      ب) قضایی- انتخابی      ج) قانونی- قضایی      د) قانونی- انتخابی

پاسخنامه      سؤال ۱: الف      سؤال ۲: ج      سؤال ۳: ج

**تکلیف قضاات به فصل خصومت**

ماده ۳- قضاات دادگاه‌ها موظف‌اند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند و الا مستنکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد.

تبصره- چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند، پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.

**نکته ۱-** قضاات دادگاه‌ها موظف‌اند، طبق قانون و با رعایت تشریفات قانونی به دعاوی رسیدگی کنند، تخلف از این مورد، موجب فسخ یا نقض رأی در مراجع عالی خواهد بود.

**نکته ۲-** اگر دادگاه دعوای مطروحه را قطع و فصل نکند، حکم صادره برخلاف ماده ۳ ق.آ.د.م بود، و نقض خواهد شد.

**نکته ۳-** برای اینکه قاضی بتواند به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر یا اصول حقوقی مراجعه کند، یکی از شرایط زیر لازم است: ۱- قانون کامل نباشد. ۲- قانون موضوعه صریح نباشد. ۳- در خصوص

موضوع دو قانون متعارض وجود داشته باشد. ۴- در قضیه مطروحه اصلاً قانونی وجود نداشته باشد.

نکته ۴- مجازات قاضی مستنکف از احقاق حق ← برای بار اول شش ماه تا یک سال انفصال و در صورت تکرار انفصال دائم از شغل قضایی است. (م ۵۹۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ (بخش تعزیرات))

نکته ۵- چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند با صدور قرار امتناع از رسیدگی پرونده را به شعب دیگری ارجاع می‌دهد (در این مورد مجازات مقرر در (ماده ۵۹۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ (بخش تعزیرات)) در مورد وی اجرا نخواهد شد. زیرا در این مورد مستنکف شناخته نمی‌شود.

نکته ۶- موارد ردّ دادرسی: که در ماده ۹۱ ق.آ.د.م ذکر شده است، استثناً بر تکلیف دادرسی برای رسیدگی به دعوا است.

۱- قانونی بودن دادرسی یعنی:

الف) صلاحیت محاکم را قانون تعیین می‌کند و قاضی باید طبق قانون حکم صادر کند.

ب) صلاحیت محاکم را رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند و قاضی می‌تواند با توجه به منابع فقهی حکم صادر کند.

ج) صلاحیت محاکم را فقیه جامع‌الشرایط تعیین می‌کند و قاضی باید براساس نظر او، حکم صادر کند.

د) قاضی محاکم براساس متون فقهی و منابع معتبر و فتاوی مشهور باید حکم صادر کند.

۲- قضات دادگاه در وهله اول موظفند موافق ..... به دعاوی رسیدگی کنند.

(قضاوت- ۱۳۸۰)

الف) قوانین                      ب) منابع معتبر فقهی                      ج) فتاوی معتبر                      د) رویه قضایی

۳- چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را مخالف شرع بیابد:

(ارشد آزاد- ۱۳۸۰، قضاوت- ۱۳۸۰)

الف) باید براساس اجتهاد خود رأی صادر نماید و رأی قطعی است.

ب) پرونده به شعبه دیگری، جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.

ج) باید براساس اجتهاد خود رأی صادر نماید و رأی قابل تجدیدنظر است.

د) پرونده به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد تا، حل اختلاف کند.

۴- هرگاه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند، باید: (ارشد سراسری- ۱۳۸۲)

الف) جهت ارجاع پرونده به شعبه دیگر، قرار عدم صلاحیت صادر نماید.

ب) جهت ارجاع پرونده به شعبه دیگر، قرار امتناع از رسیدگی صادر نماید.

ج) براساس نظر اجتهادی خود اقدام به صدور رأی نماید اما این رأی، قابل نقض می‌باشد.

د) براساس نظر اجتهادی خود اقدام به صدور رأی نماید و این رأی فقط نزد مجتهد جامع‌الشرایط قابل شکایت است.

۵- اگر در ارتباط با دعوا مطروحه حکم قانونی موجود نباشد، قاضی رسیدگی کننده چه تکلیفی دارد؟ (وکالت - ۱۳۸۴)

- الف) از نظر قانونی تکلیفی ندارد و می‌تواند دعوا را رد کند.  
 ب) بایستی با استناد به منابع معتبر اسلامی و یا عرف، حکم قضیه را صادر نماید.  
 ج) بایستی با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی، حکم قضیه را صادر نماید.  
 د) بایستی با استناد به منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر یا عرف مسلم، حکم قضیه را صادر نماید.
- ۶- چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را مخالف شرع بداند: (وکالت - ۱۳۸۷)

- الف) پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال می‌نماید تا حل اختلاف شود.  
 ب) باید براساس اجتهاد خود رأی صادر کند و رأی قابل تجدیدنظر است.  
 ج) باید براساس اجتهاد خود رأی صادر نماید و رأی قطعی است.  
 د) پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.
- ۷- چنانچه در قضیه مطروحه اصلاً قانونی وجود نداشته باشد، وظیفه قاضی چیست؟ (وکالت - ۱۳۸۷)

- الف) باید حکم به رد دعوی صادر نماید.  
 ب) باید با مصالحه فصل خصومت کند.  
 ج) باید به داوری ارجاع دهد.  
 د) باید به استناد منابع معتبر اسلامی و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد حکم مقتضی صادر کند.

سؤال ۱: الف	سؤال ۲: الف	سؤال ۳: ب	سؤال ۴: ب
سؤال ۵: ج	سؤال ۶: د	سؤال ۷: د	

**پاسخنامه**

**تعیین تکلیف دعاوی به طور خاص**

ماده ۴- دادگاه‌ها مکلف‌اند در مورد هر دعوا به‌طور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید به‌صورت عام و کلی حکم صادر کنند.

نکته ۱- در صورتی که حکم دعوا به صورت عام صادر شده باشد، در مراجع بالاتر قضایی فسخ خواهد شد.  
 نکته ۲- منظور از تعیین تکلیف به طور خاص عبارت است از، مستند ساختن تصمیم دادگاه به قانون و شرع.

۱- دادگاه‌ها مکلف‌اند: (مشاوران حقوقی - ۱۳۸۱، قضاوت - ۱۳۷۹)

- الف) در مورد هر دعوا به دلایل طرفین رسیدگی نموده و به صورت کلی مبادرت به صدور حکم نمایند.  
 ب) به دعوا مطروحه با توجه به مندرجات دادخواست رسیدگی نموده و به صورت عام حکم صادر نمایند.

- ج) به دعوای مطروحه با توجه به نتیجه رسیدگی به دلایل متداعیین رأی پرونده را صادر نمایند.  
 د) در مورد هر دعوا به طور خاص تعیین تکلیف نمایند.

**۲- دادگاه‌ها در امور مدنی موظفند: (مشاوران حقوقی - ۱۳۸۵)**

- الف) در دعوای مطروحه با احراز واقع رأی مقتضی صادر و تعیین تکلیف قانونی نمایند.  
 ب) با توجه به خواسته دعوا رسیدگی و با صدور رأی تعیین تکلیف نمایند.  
 ج) در مورد هر دعوا به طور خاص، تعیین تکلیف قانونی نمایند.  
 د) در خصوص دعوای مطروحه با احراز واقع و اعلام ختم رسیدگی، رأی قانونی صادر نمایند.

پاسخنامه سؤال ۱: د سؤال ۲: ج

**اصل قطعیت آراء**

ماده ۵- آرای دادگاه‌ها قطعی است مگر در موارد مقرر در باب چهارم این قانون یا در مواردی که به موجب سایر قوانین قابل نقض یا تجدیدنظر باشند.

**نکته ۱-** اصل بر این است که آرای صادره از دادگاه بدوی قطعی می‌باشد مگر، در موارد منصوص در قانون که قابلیت نقض و تجدیدنظر آرا پیش بینی شده است.

**نکته ۲-** حکمی که قطعی نشده باشد، قابلیت اجرا ندارد مگر در ۲ مورد که استثنا شده است:

الف- حکم ورشکستگی

ب- دعوای تصرف

**نکته ۳-** حکمی که به محکوم‌علیه یا وکیل یا قائم‌مقام قانونی وی ابلاغ نشده و حکمی که موضوع آن معین نباشد، قابل اجرا نیست.

**نکته ۴-** آرای دادگاه‌ها اعم از حکم یا قرار است، خواه در امور مربوط به دعوای (حقوقی یا کیفری) صادر شده باشد و خواه در امور حسبی.

**نکته ۵-** به موجب این ماده ← رسیدگی به هر دعوایی یک مرحله‌ای بوده و رسیدگی دو مرحله‌ای خلاف اصل محسوب می‌شود و نیاز به تصریح قانونگذار دارد.

**۱- کدام مورد، در خصوص قطعیت آرای دادگاه‌ها صحیح است؟ (قضاوت - ۱۳۹۳)**

الف) اصل بر قطعیت قرارها است برخلاف احکام

ب) اصل بر قطعیت احکام است برخلاف قرارها

ج) اصل بر عدم قطعیت است

د) اصل بر قطعیت است

پاسخنامه سؤال ۱: د

**عقود و قراردادهای بی‌اثر**

ماده ۶- عقود و قراردادهایی که مخل نظم عمومی یا بر خلاف اخلاق حسنه که مغایر با موازین شرع باشد در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست.

**نکته ۱-** دادگاه در موارد زیر نباید به عقد یا قرارداد ترتیب اثر دهد:

۱- در صورتی که مخالف اخلاق حسنه باشد.

۲- در صورتی که مخالف نظم عمومی باشد.

۳- در صورتی که مخالف صریح قانون باشد.

**نکته ۲-** رأیی که براساس قراردادی که برخلاف اخلاق حسنه یا نظم عمومی یا مخالف قانون بوده صادر شود، قابلیت فسخ و نقض در دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور را دارد. (از جهات فسخ و نقض می‌باشد)

**۱- عقود و قراردادهایی که مخل نظم عمومی است در ..... قابل ترتیب اثر نیست.**

(قضاوت-۱۳۸۰)

الف) دفتر کل      ب) دادگاه      ج) مرجع داوری      د) مورد طرفین

پاسخنامه      سؤال ۱: ب

**رسیدگی در مرحله بالاتر**

ماده ۷- به ماهیت هیچ دعوایی نمی‌توان در مرحله بالاتر رسیدگی نمود، تا زمانی که در مرحله نخستین در آن دعوا حکمی صادر نشده باشد، مگر به موجب قانون.

**نکته ۱-** اصل بر این است که به هیچ دعوایی نمی‌توان در مراحل بالاتر بدون اینکه در مرحله بدوی مورد رسیدگی قرار گرفته باشد، رسیدگی نمود. (رسیدگی در مراحل بالاتر منوط به رسیدگی در دادگاه بدوی می‌باشد)

**نکته ۲-** استثنا بر اصل ← طرح دعوای طاری می‌باشد (جلب ثالث و ورود ثالث در مرحله تجدیدنظر)

**نکته ۳-** رسیدگی به دعوای متقابل در مرحله تجدیدنظر در صورتی که در مرحله بدوی به آن رسیدگی نشده باشد، صورت قانونی ندارد (رای شماره ۳۱۵- ۱۳۲۳/۵/۳۱، شعبه اول دیوان عالی کشور)

**نکته ۴-** مرحله بالاتر که رسیدگی ماهوی می‌کند، به مرحله تجدیدنظر منحصر می‌شود و در مرحله فرجام فقط رسیدگی شکلی صورت می‌گیرد.

**۱- برابر ماده ۷ قانون آیین دادرسی مدنی به ماهیت هیچ دعوایی نمی‌توان در مرحله ..... رسیدگی نمود تا زمانی که در مرحله ..... در آن دعوا ..... صادر نشده باشد مگر (مشاوران حقوقی- ۱۳۸۶)**

- الف) نخستین - بالاتر - قراری - به تشخیص دادگاه. ب) بالاتر - نخستین - حکمی - به موجب قانون.  
ج) نخستین - بالاتر - حکمی - به تشخیص دادگاه. د) بالاتر - نخستین - قراری - به موجب قانون.

پاسخنامه سؤال ۱: ب

### منوعیت تغییر در حکم یا جلوگیری از اجرای آن

ماده ۸- هیچ مقام رسمی یا سازمان یا اداره دولتی نمی‌تواند حکم دادگاه را تغییر دهد و یا از اجرای آن جلوگیری کند مگر، دادگاهی که حکم صادر نموده و یا مرجع بالاتر، آن هم در مواردی که قانون معین نموده باشد.

**نکته ۱-** منظور از مقام رسمی، اعم از مقام‌های دادگستری و سایر مقام‌های مملکتی بوده. به بیان دیگر کسی که با احراز شرایط قانونی و با صدور حکم تصدی مقامی را عهده‌دار شده و وظایف و تکالیفی برعهده وی گذاشته می‌شود، مقام رسمی است.

**نکته ۲-** این ماده بیانگر قاعده فراغ دادرسی می‌باشد (هنگامی که دادرس رأی را صادر می‌کند، دیگر حق ندارد نسبت به آن دخل و تصرفی نماید یا تغییراتی بدهد و حتی نمی‌تواند با رضایت اصحاب دعوا رأی خود را تغییر دهد).

**نکته ۳-** استثنائات بر قاعده فراغ دادرسی: دادگاه پس از صدور حکم یا قرار قاطع تحت شرایطی می‌تواند آن را تصحیح نماید یا در صورت وجود اجمال یا ابهام آن را تفسیر نماید و یا در پس اعتراض محکوم‌علیه غایب یا اعتراض شخص ثالث و یا اعاده دادرسی مجدداً به دعوایی که منتهی به صدور رأی شده، تحت شرایطی اشتغال یابد.

### تداوم رسیدگی به دعاوی

ماده ۹- رسیدگی به دعوایی که قبل از تاریخ اجرای این قانون اقامه شده به ترتیب مقرر در این قانون ادامه می‌یابد. آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می‌باشد مگر این‌که آن قوانین، خلاف شرع شناخته شود نسبت به کلیه قرارهای عدم صلاحیتی که قبل از تاریخ اجرای این قانون از دادگاه‌ها صادر شده و در زمان اجرای این قانون در جریان رسیدگی تجدیدنظر یا فرجامی است به ترتیب مقرر در این قانون عمل می‌شود.

**نکته ۱-** آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، تابع قوانین مُجرا در زمان صدور آنان می‌باشد مگر این‌که آن قوانین، خلاف شرع شناخته شوند.

**نکته ۲-** نسبت به کلیه قرارهای عدم صلاحیتی که قبل از تاریخ اجرای این قانون از دادگاه‌ها صادر شده و در زمان اجرای این قانون در جریان رسیدگی تجدیدنظر یا فرجامی است، به ترتیب مقرر در این